

درک این که کجا ایستاده‌ایم و بایسته‌ترین کار در این لحظه چیست به بیش عمیق و دانش دقیق نیازمند است. گاه لحظه‌ای غفلت از این مهم، خسارتی جبران‌ناپذیر می‌آورد.

چشمی که از انبوه غبار، دور دست جاده را بنگرد و از غوغای روزگار، گوش به صداهای فردا بسپارد والا و ارجمند و البته کمیاب است. آن چه، چنین نگاهی می‌بخشد تقوای الهی است. آن که همه خویشتن را به خدا بسپارد خداوند چشمانی برای عبور از ظلمت به وی می‌بخشد و به زبان قرآن اگر تقوا باشد، «فرقان» هست و «مخرج» و گریزگاه از تنگنا فراهم.

بصیرت‌مندان دین‌شناس و ره‌پویان آگاه می‌دانند که در هنگام خطیر تصمیم‌گیری، نمی‌درنگ چه فاجعه‌ها خواهد آفرید. می‌دانند بهانه، بهای انسان را از وی می‌ستانند و به پرتگاه ذلت و خواری و پشیمانی می‌افکنند. روزگار حسین^ع سرشار خود گم‌کردگان، دنیازدگان و زمان‌ناشناسان است. مردانی که شرایط و موقعیت اجتماعی را یا نمی‌شناسند و یا معیشت خویش و دنیای خود را بر «دین» ترجیح می‌دهند. امام در توصیفشان فرمود: «مردم پندگان دنیابند و دین، تنها بازیچه زبان‌هایشان، دین را تا آن‌گاه خواهند که معاش و دنیایشان فراخ و مهیا باشد و هرگاه در آزمون و بلا قرار گیرند، دینداران اندک می‌شوند». یاران حسین، فرصت عزیز و تکرارناپذیر و سترگ «بودن با حسین» را می‌فهمیدند و می‌دانستند اگر بروند و اگر امام را رها کنند

مهم‌ترین موقعیت و فرصت تاریخی را از دست داده‌اند.

آنان که تکرارناپذیرند موقعیت‌های بزرگ را می‌شناسند و گوش به غوغاهای کرکننده نفس و دعوت‌های فریادناک دنیای بیرون و تطمیع صاحبان قدرت نمی‌سپارند، قلبی دارند که از هرچه گرایش فرودین رها و از هرچه زنجیر اسارت‌آفرین دنیاست آزادند. تنها اینان می‌توانند حماسه‌ها را رقم بزنند و تاریخ را به دیگرگونه ترسیم کنند.

«اگر امثال شبت‌بن‌ربعی، در یک لحظه حساس از خدا می‌ترسیدند به جای آن که از این‌زیاد بترسند تاریخ عوض می‌شد!... عوام متفرق شدند چرا؟ [چرا] آن خواص مومنی که اطراف مسلم بودند متفرق شدند؟ در بین آنان کسان خوبی بودند، افراد حساسی بودند؛ بعداً بعضی از آنان آمدند در کربلا شهید شدند؛ اما این‌جا اشتباه کردند. البته آن‌هایی که در کربلا شهید شدند، کفاره اشتباهشان داده شد. با آن‌ها بختی نداریم، اسمشان را هم نمی‌آوریم. اما از این‌ها کسانی بودند که به کربلا هم نیامدند. نتوانستند بیابند! توفیق پیدا نکردند! بعداً مجبور شدند جزء توابع شوند! وقتی

امام حسین^ع کشته شد، وقتی فاجعه اتفاق افتاد. وقتی حرکت تاریخ به سمت سرانسیب آغاز شد، دیگر چه فایده؟ به همین دلیل تعداد توابعین در تاریخ چند برابر عده شهدای کربلاست. شهدای کربلا همه در یک روز کشته شدند، توابعین هم در یک روز کشته شدند اما شما ببینید که اثری که توابعین در تاریخ گذاشتند یک‌هزارم اثری که شهدای کربلا گذاشتند نیست! برای خاطر این که این‌ها در وقت خود نیامدند کار را در لحظه خود انجام ندادند، دیر تصمیم گرفتند، دیر تشخیص دادند»^۱

زمان‌شناسی یاران حسین را در برخی سخنان و موقعیت‌های خطیر خوب‌تر می‌توان شناخت. وقتی عبدالله بن بشر حضرمی خبر می‌یابد که فرزندش در حوالی ری دستگیر شده و جانش در خطر است و امام هزینه آزادی وی را

به‌عهده می‌گیرد و به عبدالله توصیه می‌کند که برود و آزادش کند عبدالله پاسخ می‌دهد من پیش‌تر شمشیر و اسبم را برای چنین روزی آماده کرده‌ام و هرگز تو را رها نمی‌کنم. تأسف یاران در نبیوستن عبدالله بن حرجفی، سخنرانی‌های بریر و نافع در عاشورا و پیش از آن و اشاره به موقعیتی که از دست می‌رود گواه همین درک عمیق یاران از شرایط و موقعیت تکرارناپذیری است که در کربلا پیش آمده است. پاسخ ابوالفضل‌العباس و برادرانش به شمر بن ذی‌الجوشن، پیوستن حربن‌یزید ریاحی حتی دفاع سویدبن‌عمرو ابی‌المطاع پس از به هوش آمدن، ترجمان درک فرصت بزرگی است که یاران بصیر اباعبدالله قدر و ارج آن را می‌دانستند. کربلا، جغرافیای بصیرت، و عاشورا تاریخ زمان‌فهمی و موقعیت‌شناسی است.

پی‌نوشت‌ها

۱. فرهنگ جامع سخنان امام حسین، ص ۳۹۹.
۲. سخنرانی مقام معظم رهبری، ۱۳۷۵/۳/۲۰.

دکتر محمدرضا سنگری

فضیلت‌ها و ویژگی‌های یاران امام حسین^ع